

## از واژه‌گزینی تا ترادف

والی رضایی

دانشگاه اصفهان

### چکیده

ترادف یا هم‌معنایی در زبان امری طبیعی است و عوامل مختلفی باعث ایجاد و گسترش آن می‌شود که می‌توان به قرض‌گیری، تطور معنایی واژگان و تنوع گونه‌های جغرافیایی و سبکی اشاره کرد. در این جستار به بررسی یکی از عوامل جدید گسترش ترادف در فارسی معاصر یعنی واژه‌گزینی در برابر لغات بیگانه خواهیم پرداخت. این نوع ترادف زمانی پدید می‌آید که در برابر کلمات خارجی واژه‌های فارسی ساخته می‌شود. در بسیاری از موارد، واژه‌های ساخته شده به طور نسبی رواج می‌یابند، اما لغات متناظر بیگانه نیز در کنار آن‌ها به حیات خود ادامه می‌دهند. در این نوشتار ضمن بررسی عوامل پدید آمدن چنین وضعیتی به معایب و فواید آن اشاره خواهد شد. داده‌های این تحقیق از برنامه‌های مختلف صدا و سیما، مطبوعات، کتاب‌های درسی و حتی گفتگوهای روزمره جمع‌آوری شده‌اند و هر جا لغات بیگانه در کنار معادل‌های فارسی ظاهر شده‌اند، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در پایان به این نتیجه می‌رسیم که این نوع ترادف در مرحله گذار امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در راه تثبیت واژه‌های ساخته شده، یک قدم به پیش محسوب می‌گردد. همچنین نشان داده خواهد شد که هرچه سبک رسمی‌تر باشد میزان استفاده از لغات فارسی بیش‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** واژه‌گزینی، ترادف، قرض‌گیری، زبان فارسی.

### ۱. مقدمه

ترادف یا هم‌معنایی در همهٔ زبان‌های بشری وجود دارد. مهم‌ترین عامل ایجاد ترادف را می‌توان قرض‌گیری دانست. به عنوان نمونه در زبانی مانند انگلیسی واژه‌های مترادف فراوانی وجود دارند که به دلیل قرض‌گیری از زبان‌های لاتین، یونانی، فرانسوی، هندی، عربی و زبان‌های دیگر پدید آمده‌اند (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۰۶). امروز در این زبان هزاران واژهٔ بومی و قرضی مانند **fall/autumn, handout/manual, tap/faucet** در کنار هم به کار می‌روند (ترسک<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲: ۲۷). زبان فارسی نیز واژه‌های مترادف زیادی دارد که حاصل قرض‌گیری از زبان‌های ایرانی و غیرایرانی است. این زبان در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود واژه‌های زیادی را از زبان‌هایی چون پارسی، سغدی، خوارزمی و غیره به عاریت گرفته است. البته، بیشترین قرض‌گیری پس از اسلام و از زبان عربی صورت گرفته است. کلماتی مانند کافر، حج، زکات، خمس، اذان و غیره از اولین کلماتی هستند که وارد فارسی شده‌اند، اما بعدها دبیران و نویسندگان و دانشمندان برای تفنّن و تزیین نوشته‌های خود تعداد زیادی کلمات غیرضروری را نیز وارد فارسی کردند (صادقی، ۱۳۸۵ الف: ۳). جالب اینجاست که آنچه باعث گسترش ترادف می‌شود همین کلمات غیرضروری است که در زبان مقصد معادل آن‌ها وجود دارد، اما به دلایل مختلف از جمله تفنّن و تفاخر و اعتبار روزافزون زبان بیگانه به کار می‌روند. به عنوان مثال، در زبان فارسی واژه‌های **سخت، دشوار و زفت** وجود داشته، اما کلمات **مشکل، صعب و شاق** نیز به فارسی راه یافته و موجب افزایش

<sup>1</sup> R.L.Trask

واژه‌های مترادف گشته‌اند. در واقع، قرض‌گیری زمانی موجب ترادف می‌شود که در زبان مقصد معادلی داشته باشد. واژه‌هایی که نام اشیاء، محصولات و پدیده‌های جدید هستند به‌منظور برطرف کردن یک خلاء ارتباطی به کار می‌روند و در زبان وام‌گیرنده معادلی ندارند تا باعث به‌وجود آمدن ترادف شوند.

در این مقاله به بررسی یکی از عوامل جدید ترادف در فارسی معاصر و دلایل آن خواهیم پرداخت. چنان‌که اشاره شد، زبان فارسی در طول تاریخ واژه‌های بسیاری را از زبان‌های مختلف به ویژه زبان عربی قرض گرفته که در موارد زیادی در کنار کلمات فارسی به‌عنوان مترادف دوام یافته‌اند. با این حال، در این مقاله به عامل جدیدی در پیدایش ترادف در زبان فارسی معاصر می‌پردازیم که همان واژه‌گزینی در برابر لغات بیگانه است. در انجام این تحقیق تلاش شده است که نمونه‌ها از کاربرد واقعی زبان در متون گفتاری و نوشتاری مختلف، برگرفته از برنامه‌های صدا و سیما، سخنرانی‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌های درسی، انتخاب گردد تا صرفاً بر اساس شم زبانی خود، که ممکن است با واقعیت منطبق نباشد، قضاوت نکرده باشیم.

می‌توان گفت که در زبان فارسی ترادف چندان مورد توجه قرار نگرفته است و این در حالی است که این امر اهمیت بسیار زیادی در شعر و ادب در تاریخ این زبان داشته است. هنوز اثری که به‌طور مستقل و مبسوط به بحث ترادف پرداخته باشد، در زبان فارسی وجود ندارد.<sup>۱</sup> این کم‌توجهی به ترادف منحصر به زبان فارسی نیست، بلکه در زبان انگلیسی نیز آن‌چنان که بایسته است به این موضوع پرداخته نشده است. در کتاب‌های معتبر معناشناسی مانند لاینز (۱۹۹۵، ۱۹۷۷) از کنار این مبحث به سادگی عبور شده و تنها به تعریف آن و چند تقسیم‌بندی در مورد انواع ترادف بسنده شده است. برخی از محققین از توجه اندک به یکی از پدیده‌های مهم زبان‌شناختی که ساختار واژگان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، ابراز تعجب نموده‌اند. ادموندز<sup>۲</sup> و هیرست<sup>۳</sup> (۲۰۰۲: ۱۰۶) معتقدند که توجه بسیار اندکی به این مبحث در زبان‌شناسی، روان‌شناسی، واژگان‌نگاری، معناشناسی، و زبان‌شناسی رایانه‌ای در مقایسه با موضوع چندمعنایی شده است. با این حال، در سال‌های اخیر متخصصان زبان‌شناسی رایانه‌ای و ترجمه ماشینی علاقه خاصی به این بحث پیدا کرده‌اند. یافتن بهترین معادل یک اصطلاح در زبانی دیگر از بین واژه‌های مترادف همواره برای مترجمین دشوار بوده است. امروز متخصصان زبان‌شناسی رایانه‌ای به دنبال تهیه گنج‌واژه هوشمند هستند.

مبحث ترادف در زبان عربی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در کتاب‌های فقه‌اللغه بخش مهمی را به خود اختصاص داده است و زبان‌شناسان و محققان عرب، با وجود اختلاف نظر درباره وجود ترادف یا عدم وجود آن، کتاب‌هایی در زمینه جمع‌آوری الفاظ مترادف تألیف کرده‌اند (صدقی و سیفی، ۱۳۸۵). علت توجه خاص نویسندگان عرب و اسلامی به بحث ترادف همانا نیاز آن‌ها در فهم قرآن و متون مذهبی بوده است. همان نیازی که پس از گسترش اسلام، علوم دیگر زبانی نظیر آواشناسی و صرف و نحو را شکوفا نمود. محققان و پژوهشگران علوم قرآنی به وجود الفاظ مترادف یا عدم وجود این الفاظ در قرآن توجهی خاص نشان داده‌اند و در زمینه اثبات وجود این الفاظ یا رد آن در قرآن، آثاری از خود به جای گذاشته‌اند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> لازم به یادآوری است که در مورد ترادف در زبان فارسی چند مقاله چاپ شده است که همگی بحثی مقدماتی را ارائه نموده و به تعریف ترادف و تقسیم‌بندی آن از دیدگاه معناشناسان پرداخته‌اند. ← باطنی (۱۳۶۹)، صفوی (۱۳۷۱) و معدنی (۱۳۸۳).

<sup>۲</sup> P. Edmonds

<sup>۳</sup> G. Hirst

<sup>۴</sup> از جمله این آثار می‌توان به مفردات الفاظ القرآن الکریم راغب اصفهانی و الترادف فی القرآن الکریم بین النظریه و التطبيق محمد نورالدین المنجد اشاره کرد.

## ۲. قرض‌گیری و مترادف

چنان‌که اشاره شد، هر زبانی ممکن است برای رفع نیازهای جدید خود کلماتی را از زبان‌های دیگر وام بگیرد. باین‌حال، تاریخ زبان‌های مختلف نشان می‌دهد که قرض‌گیری فقط به اینجا محدود نمی‌شود، بلکه به دلایل غیرزبانی نظیر اعتبار، تفنن، تنوع‌طلبی و تأثیرگذاری، واژه‌های دیگری، که ممکن است هیچ نیازی به آن‌ها نباشد، به زبان وام‌گیرنده وارد می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در برخورد زبان فارسی با زبان عربی واژه‌هایی مانند خمس، زکات، رکوع، سجده، کافر، محراب، امام، حلال، حرام و... بیان‌کننده مفاهیم و پدیده‌های جدیدی بودند که در زبان فارسی دری وجود نداشتند. پس از گسترش اسلام به دلیل اعتبار خاص زبان عربی به تدریج الفاظ و اصطلاحات فراوانی در آثار نویسندگان و ادبا و پس‌از آن در گفتار عامه ظاهر شدند که ضروری نبودند و برابر فارسی داشتند. چنان‌که صادقی (۱۳۸۵ الف: ۳) اشاره کرده است، تعداد کلمات عربی در نوشته‌های فارسی تا اواسط قرن ششم به حدود پنجاه و گاهی شصت درصد می‌رسید که برای بسیاری از آن‌ها در زبان فارسی معادل وجود داشت. با نگاهی اجمالی به آثار منظوم و منثور زبان فارسی واژه‌های عربی بسیاری را می‌بینیم که در کنار واژه‌های فارسی به‌کار رفته‌اند. *راه/طریق، زبان/لسان، دشمن/خصم، دوست/رفیق، خانه/منزل* و... نمونه‌هایی از این دست هستند. در برخورد زبان فارسی با زبان مغولی نیز واژه‌های زیادی مانند *کمک، چاق، قلدر، کنکاش، داداش، مشتلق، الاغ، سوغات، نوکر، یاسا، یاغی، ایل، بالش* و غیره به زبان فارسی وارد شده‌اند که ضروری نبوده‌اند (بهار، ۱۳۷۰: ۲۸۱).

قرض‌گیری از واژگان اروپایی از زمان آغاز ارتباط ایرانیان با کشورهای اروپایی شروع شد. زمردیان (۱۳۷۳: ۹) آغاز این ارتباط را از زمان شاه عباس اول یعنی سال‌های ۱۰۳۸-۹۹۶ هجری قمری می‌داند. به‌نظر صادقی (۱۳۸۵ ب: ۱۲؛ ۱۳۸۲: ۱۴۲) اولین واژه‌های اروپایی از زبان روسی وارد زبان فارسی شدند. باین‌حال، به‌دلیل ارتباط بیش‌تر ایران با کشور فرانسه و نفوذ زبان فرانسه قبل از جنگ جهانی دوم در دنیا زبان فارسی بیش‌ترین واژه‌ها را از این زبان وام گرفته است. در دوران پادشاهان قاجار، به‌ویژه از زمان ناصرالدین‌شاه به‌بعد، اعزام محصلین ایرانی به کشور فرانسه آغاز شد و در دربارها نیز مترجمین فرانسه به کار مشغول بودند. تقریباً از این زمان به‌بعد زبان دوم درس‌خوانندگان ایرانی زبان فرانسه شد و مترجمین متعددی شروع به ترجمه کتاب‌های علمی و ادبی از این زبان کردند (صادقی، ۱۳۸۵ الف: ۴).

از آن زمان به‌بعد، لغاتی مانند پست، تلگراف، تلفن، اتوبوس، تاکسی، مُد، مینیاتور، هتل، آسانسور، رستوران، سینما، کمیسیون، کلاس، فراکسیون، کمیته و صدها واژه دیگر به زبان فارسی وارد شدند که نام اشیاء و پدیده‌های جدیدی بودند که در زبان فارسی معادلی نداشتند. در این مقطع نیز مانند دوره برخورد با زبان عربی در کنار کلمات ضروری انبوهی از واژه‌های غیرضروری فرانسوی که دارای معادل فارسی بودند به زبان فارسی وارد شدند. لغاتی مانند *ایده، مرسی، نرمال، پاسپورت، شیک، لوکس، ریسک، لیست، کوران، کادو، رزرو* و صدها واژه دیگر نمونه‌هایی از این نوع کلمات هستند که بسیاری از آن‌ها امروز نیز جزء واژگان زبان رسمی و معیارند. بسیاری از این واژه‌های غیرضروری در کنار برابر فارسی رواج یافته و امروز به‌عنوان مترادف به کار می‌روند. در این‌جا به چند نمونه اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> این جمله‌ها و جمله‌های ۱۵-۶ برگرفته از برنامه‌های مختلف تلویزیون هستند.

- ۱- این برنامه راندمان و بازده کار را افزایش می‌دهد.
  - ۲- اگر بخواهم پلن یا طرح مذکور را معرفی کنم...
  - ۳- این نوع سرطان یک بیماری فامیلیال یا خانوادگی است.
  - ۴- جنبه‌های مختلف کار را تحلیل و آنالیز کردیم.
  - ۵- شما باید نظر و ایده خود را بدون هیچ ملاحظه‌کاری بیان کنید.
- پس از جنگ دوم جهانی زبان انگلیسی به تدریج جای زبان فرانسه را گرفت. در دهه‌های اخیر قرض‌گیری بیشتر از زبان انگلیسی صورت می‌پذیرد. امروز تقریباً تمام لغات و اصطلاحات جدید، از انگلیسی به فارسی می‌آیند (صادقی، ۱۳۸۵ الف: ۶). در واقع می‌توان گفت که امروز زبان انگلیسی اصلی‌ترین زبان خارجی است که زبان فارسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که چگونه الفاظ انگلیسی در کنار واژه‌های فارسی به عنوان مترادف رواج می‌یابند.
- ۶- سبک زندگی یا لایف ستایل<sup>۱</sup> در سلامت قلب خیلی مهم است.
  - ۷- این یک موضوع جهانی و گلوبال است.
  - ۸- ما از این وسیله به‌عنوان کاور یا روپوش استفاده می‌کنیم.
  - ۹- انتظارات یا اکسپکتیشن<sup>۲</sup> در قیمت نفت تأثیر زیادی دارد.
  - ۱۰- در شب سطح یا لول نیکوتین در خون پایین می‌آید.
  - ۱۱- شما پرونده‌ای، کیسی را مطرح می‌کنید و سؤال می‌کنید.
  - ۱۲- ایشان خیلی آرام، راحت و ریلاکس بودند.
  - ۱۳- بهترین تایم، بهترین زمان برای آزمایش تیروئید بدو تولد است.
  - ۱۴- دوز یا میزان داروهای تیروئید در زنان حامله بیشتر است.
  - ۱۵- خدمات پرستاری و نرسینگ خیلی مهم است.
- چنان‌که از نمونه‌های فوق پیداست هیچ کدام از واژه‌های انگلیسی به‌کاررفته ضروری نیستند. با این حال، سخنگویان در موقعیت‌های مختلف و به دلایل گوناگون از لفظ خارجی در کنار واژه فارسی استفاده کرده‌اند. البته باید یادآوری کرد که تمام این لغات انگلیسی به‌عنوان مترادف تثبیت نشده‌اند.<sup>۳</sup>

### ۳. ترادف و واژه‌گزینی<sup>۴</sup>

تا این جا نشان دادیم که قرض‌گیری غیرضروری باعث پدیدآمدن ترادف می‌شود. در این حالت زبان وام‌گیرنده خود دارای الفاظ هم‌معنا با واژه‌های دخیل است. در این بخش به بررسی یکی از عوامل گسترش ترادف می‌پردازیم که در گذشته چندان مطرح نبوده و اختصاص به زمان معاصر دارد. این عامل واژه‌گزینی در برابر

<sup>۱</sup> lifestyle

<sup>۳</sup> expectation

<sup>۴</sup> باید خاطر نشان کرد که این نمونه‌ها اغلب از برنامه‌های زنده تلویزیونی گرفته شده‌اند. در برنامه‌های خبری و تولیدی که کنترل بیشتری از نظر زبانی بر آن‌ها اعمال می‌شود واژه‌های بیگانه کمتر به کار می‌روند.

<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که منظور از واژه‌گزینی در این جستار به معنای عام است و محدود به واژه‌گزینی رسمی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و یا دیگر سازمان‌ها نیست.

## از واژه گزینی تا مترادف

الفاظ بیگانه است. عبدالتواب (۱۳۶۷: ۳۵۸) عوامل کثرت واژه‌های مترادف در زبان عربی فصیح را برشمرده است. او تعدد نام‌ها در گویش‌های مختلف عربی را یکی از دلایل مترادف می‌داند و به‌عنوان نمونه به لغات مختلف بطیخ، رقی، دولاح و ححب، که به‌ترتیب در مصر، عراق، لیبی و عربستان به معنای هندوانه به‌کار می‌روند، اشاره نموده است. عامل دوم این است که یک لفظ صفات متعددی داشته و آن صفات جانشین اسم شده‌اند، مانند لغات صارم، باتر، قاضب و صقیل که همگی از صفات شمشیر بوده‌اند. تطور زبانی و عاریت گرفتن کلمات از زبان‌های بیگانه عوامل دیگر مترادف معرفی شده‌اند. تمام این عوامل در تاریخ زبان فارسی نیز باعث پدیدآمدن مترادف شده‌اند.

از زمان‌های گذشته تلاش برای ساختن معادل در برابر الفاظ و لغات خارجی صورت گرفته است. ابن‌سینا و بیرونی در آثار خود واژه‌هایی را در برابر الفاظ عربی ساخته‌اند که از آن جمله می‌توان به بامداد دروغین، بسیار پهلو، گوشه، درازا و پهنا، در برابر صبح کاذب، کثیرالاضلاع، زاویه، طول و عرض اشاره کرد (یمین، ۱۳۸۴: ۱۳۷). تلاش جهت معادل‌یابی واژگان بیگانه ممکن است به‌صورت فردی به‌وسیله نویسندگان، مترجمان و حتی عوام صورت پذیرد. همچنین در اکثر جوامع سازمان‌ها و نهادهایی برای این امر تشکیل می‌شوند.

واژه‌هایی که در برابر لغات خارجی ساخته می‌شوند، یکی از سه سرنوشت زیر را پیدا می‌کنند: ممکن است چنین کلماتی به‌طور کامل رواج یافته و پس از مدتی واژه بیگانه را از زبان خارج و منسوخ نمایند. شاهد این حالت لغات بسیاری است که در وزارت جنگ و فرهنگستان اول ساخته شده و توانستند لغات متناظر بیگانه را از صحنه خارج کنند. در این مورد می‌توان به‌عنوان نمونه به واژه‌های **پرونده، سرهنگ، پادگان، هواپیما، دماسنج و افسر** اشاره کرد که به ترتیب به جای لغات **دوسیه، کلنل، ساخلو، ائروپلن، میزان‌الحراره و صاحب-منصب** رواج یافتند. دسته دوم واژه‌هایی هستند که اصلاً رواج پیدا نمی‌کنند و صرفاً در حد یک پیشنهاد باقی می‌مانند. بسیاری از واژه‌های ساخته شده در فرهنگستان دوم و تا اندازه‌ای فرهنگستان سوم چنین سرنوشتی داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، در فرهنگستان دوم واژه‌هایی چون **باغ‌راه، رخت‌دان، مهرآز، آفره، هم‌کاوی و دفترک** به جای **پارک‌وی، کمد، آرشیوتکت، دکترین، سمینار و بروشور** تصویب شدند که هیچ‌کدام رواج نیافتند (صفا مقدم، ۱۳۷۴: ۱۳۸؛ سمیعی ۱۳۷۴: ۱۴۲). کاشانه، فرشینه، نورتاب، آوایر، ایوانک و صدها لغت دیگر که در فرهنگستان سوم به تصویب رسیده‌اند، هیچ‌گاه در جامعه رواج نیافته‌اند، در نتیجه همان واژه قرضی به حیات خود ادامه داده است<sup>۱</sup>. حالت سوم زمانی است که واژه پیشنهاد شده تا اندازه‌ای رواج می‌یابد، اما در حدی نیست که واژه قرضی را از زبان خارج کند. درصد بسیار بالایی از واژه‌های ساخته شده چنین سرنوشتی پیدا کرده‌اند. امروز واژه‌هایی چون **کامپیوتر/ رایانه، سوبسید/ یارانه، چاپ/ پرینت، سلول/ یاخته، اتومبیل/ خودرو، ترم/ نیمسال، آرشیو/ بایگانی، اتوبان/ بزرگراه، انستیتو/ مؤسسه، تکنولوژی/ فن‌آوری** و صدها مورد دیگر در کنار هم به‌کار می‌روند و نوعی مترادف را پدید آورده‌اند.

## ۴. دلایل مترادف

در این بخش به معرفی مهمترین دلایل رواج مترادف در مورد واژه‌های ساخته شده می‌پردازیم.

<sup>۲</sup> واژه‌های مصوب فرهنگستان در نامه فرهنگستان شماره ۱۰ صص ۱۶۵-۱۷۴.

## ۴.۱. تثبیت واژه‌های بیگانه

یکی از دلایل ایجاد ترادف این است که لغات بیگانه قبل از این که معادلی برای آن‌ها ساخته شود مدت زیادی در زبان فارسی رایج بوده و بخشی از عادت زبانی سخنگویان شده اند، از طرف دیگر به دنبال گزینش واژه دستگاه‌های رسمی نظیر صدا و سیما، آموزش و پرورش و مطبوعات تلاش می‌کنند که این واژه‌های نوساخته را رواج دهند. در این میان وضعیتی پیش می‌آید که به کار بردن واژه‌های فارسی با سبک رسمی پیوند می‌خورد. در موقعیت‌های غیررسمی و در محاورات روزمره از واژگان بیگانه استفاده می‌شود و از طرف دیگر در موقعیت‌های رسمی از معادل نوساخته آن‌ها. به عنوان مثال، امروز در زبان فارسی ماشین در سبک غیر رسمی و خودرو در سبک رسمی تر به کار می‌روند. بنابراین ترادف این دو کلمه را باید تثبیت شده تلقی کرد، زیرا با سبک‌های مختلف پیوند یافته است. جالب است که در موقعیت‌هایی که افراد سعی در استفاده از واژه‌های انتخاب شده به جای الفاظ خارجی می‌کنند گاهی در یک جمله واحد از روی عادت هر دو لفظ را به کار می‌برند. نمونه‌های زیر موارد جالبی از این رخداد هستند.

۱۶- امروز از رایانه و اینترنت استفاده می‌شود و نگرانی‌هایی را برای خانواده‌ها به بار آورده است. کودکان گاهی بیش از سه ساعت پای کامپیوتر می‌نشینند (رادیو پیام ۸۵/۲/۳ ساعت ۱۵:۱۲).

۱۷- امروز یک بالگرد آمریکایی‌ها در افغانستان و یک هلیکوپتر انگلیسی‌ها در بصره سقوط کرد (۸۵/۲/۱۶ اخبار ۲۰:۳۰ شبکه ۲ سیما).

معمولاً واژه‌گزینی زمانی صورت می‌گیرد که واژه‌های بیگانه در زبان فارسی تا اندازه زیادی جا خوش کرده و رواج یافته‌اند. به عنوان یک نمونه مشخص می‌توان به اصطلاحات رایانه اشاره کرد. در سی سال گذشته با ورود رایانه و فناوری مربوط به آن اصطلاحات انگلیسی مربوط به این علم در زبان فارسی وارد شده است. برای نمونه اصطلاحاتی مانند کامپیوتر، کریس، کیس، ماوس، کی‌بورد، دیلیت، مونیتور و غیره در بین مردم رواج یافته است. با این حال، واژه‌گزینان برابرهای فارسی رایانه، مکان‌نما، محفظه، موش، صفحه‌کلید، حذف و نمایشگر را به جای این واژه‌ها ساخته‌اند (عاصی، ۱۳۸۰: ۵-۳۲۴). طبیعی است که به علت تثبیت الفاظ بیگانه معادل‌های فارسی به راحتی رواج نخواهند یافت و حالت ترادف در یک دوره زمانی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

## ۴.۲. ناهمگونی اقشار جامعه

جامعه زبانی از اقشار گوناگونی تشکیل شده است. همه اقشار جامعه نگرش یکسانی در مورد زبان ندارند. مردم از نظر معیارهایی مانند میزان تمایلات مذهبی، سطح سواد، میهن پرستی و ملی‌گرایی، سطح اقتصادی و میزان پایبندی به سنت به گروه‌های متعددی تقسیم می‌شوند. بدیهی است که قشرهایی از جامعه فارسی زبان از نظر عاطفی آمادگی بیشتری برای به کار بردن واژه‌های ساخته شده دارند و برعکس عده‌ای نیز ممکن است به دلیل نگرش مثبت به زبان و فرهنگ بیگانه به راحتی الفاظ خارجی را به کار ببرند. این موضوع اختصاص به زبان فارسی ندارد. در فرانسه هر چندگاهی دولت فهرستی از واژه‌های انگلیسی را منتشر می‌کند و از مردم خواسته می‌شود که از آن‌ها استفاده نکنند و به جای آن‌ها لغات اصیل فرانسوی پیشنهاد

می‌شوند. کارکنان دولت، از جمله آموزگاران، ملزم به پیروی از این رهنمودها هستند، اما اغلب مردم آن‌ها را نادیده می‌گیرند و از هر واژه‌ای که خوششان بیاید استفاده می‌کنند (ترسک ۱۳۸۲: ۲۸).

#### ۳.۴. تعدد معادل‌ها

یکی دیگر از عوامل رواج مترادف، ساختن معادل‌های متعدد در برابر یک لغت یا اصطلاح خارجی است. این معادل‌های گوناگون را ممکن است مراجع مختلف و یا افراد صاحب ذوق به جامعه عرضه کرده باشند. به عنوان نمونه در برابر **فکس** واژه‌های **نمبر** و **دورنگار** پیشنهاد شده‌اند. همچنین، این روزها به جای **مدال** از دو معادل **گردن‌آویز** و **نشان** به‌تواتر استفاده می‌شود. همچنین در متون مختلف **وبگاه**، **پایگاه اینترنتی** و لغات دیگر به جای وبسایت انگلیسی به‌کار می‌روند. گاهی قبل از معادل‌یابی در دستگاه‌های رسمی، معادل‌هایی به‌صورت منفرد در جامعه رایج بوده است و پس از آن معادل‌های تازه‌تری نیز مطرح شده‌اند و همه آن‌ها در کنار هم به‌عنوان مترادف دوام می‌آورند. مانند: **آسیستان** / **معاون** / **دستیار** و **بادی‌گارد** / **محافظ** / **جان‌پاس**. این وضعیت به‌ویژه در متون علمی رواج بیشتری دارد. به‌عنوان نمونه، در زبان‌شناسی در سال‌های اخیر گاهی چندین معادل فارسی در برابر یک اصطلاح خارجی مطرح شده و هر کدام نیز تا اندازه‌ای جاافتاده‌اند. در برابر اصطلاح انگلیسی **Discourse analysis**<sup>۱</sup>، در کتاب‌ها و مقالات مختلف به زبان فارسی، اصطلاحاتی مانند سخن‌کاوی، تجزیه و تحلیل کلام، تحلیل گفتمان، تحلیل گفتار و... به کار رفته‌اند. بدری‌زاده و یوحناپی (۱۳۸۱: ۳) نشان داده‌اند که واگرایی شدیدی در مورد اصطلاحات زبان‌شناسی وجود دارد تا جایی که گاهی حدود ده معادل در برابر یک اصطلاح خارجی مطرح شده‌اند. کافی (۱۳۷۴: ۵۵) نشان داده است که در دهه‌های اخیر به جای این که بسامد استفاده از یک اصطلاح علمی افزایش یابد، تعداد معادل‌ها بیشتر شده است. دانشمندان اسلامی تعدد وضع را به‌عنوان سبب پیدایش مترادف و بلکه به‌عنوان تنها سبب پیدایش آن می‌دانستند. تعدد وضع از این قرار است که قبایل مختلف یک جامعه بی‌خبر از یکدیگر هر کدام برای یک شیء اسمی را وضع کرده باشند و آن‌گاه بر اثر آمد و شد و گفتگو با یکدیگر به آن آگاه شده باشند. ساختن معادل‌های مختلف فارسی در برابر اصطلاحات خارجی به وسیله نویسندگان و مترجمانی که بی‌خبر از کار یکدیگر هستند، در واقع مصداق تعدد وضع است و به‌طور طبیعی باعث ایجاد مترادف می‌گردد.

#### ۴.۴. توضیح و رفع ابهام

این عامل به‌طور خاص در متون علمی و همچنین در مجامع و سخنرانی‌ها و کلاس‌های درس مؤثر است. در این حالت گوینده یا نویسنده یک اصطلاح علمی را بیان می‌کند و درعین حال معادل خارجی آن را نیز به‌کار می‌برد. در متون نوشتاری معادل خارجی اصطلاحات به‌صورت پاورقی و یا در داخل کمان ذکر می‌گردد. این امر باعث می‌شود که هم معادل فارسی و هم اصطلاح خارجی در کنار هم ظهور یابند و درواقع منجر به تثبیت هر دو لغت می‌گردد. شایان ذکر است که گاهی در این کار افراط می‌شود و معادل‌هایی در کنار اصطلاحات فارسی آورده می‌شوند که هیچ نیازی به آن‌ها نیست. درواقع، نتیجه این کار چیزی جز یادآوری و جلوه دادن الفاظ بیگانه و کمک به رواج بیشتر آن‌ها نیست. گاهی در متون آموزشی رسمی که از طرفی

<sup>۱</sup> نگاه کنید به عاصی و عبدعلی (۱۳۷۵) و همایون (۱۳۷۲) ذیل مدخل این اصطلاح.

موظف به استفاده از واژه‌های فارسی و از طرف دیگر نگران عدم فهم خوانندگان هستند، واژه مصوب فارسی به کار می‌رود، اما در عین حال لفظ بیگانه هم در کنار آن می‌آید. ذکر چند نمونه از یکی از کتاب‌های درسی دوره راهنمایی خالی از لطف نیست.

۱۸- آیا تاکنون به آینه‌های جلوی راننده در یک خودرو (اتومبیل) نگاه کرده‌اید؟ (علوم دوم راهنمایی، ص ۳۱).

۱۹- در تابش خورشید پرتوهای فرسوخ (مادون قرمز) نیز وجود دارد. (همان ۶۲).

۲۰- به تعداد نوسان‌هایی که یک نوسان‌گر در مدت یک ثانیه انجام می‌دهد بسامد یا فرکانس می‌گویند. (همان ۴۱).

۲۱- اگر سطح بازتاب‌دهنده آینه گود باشد به آن آینه مقعر یا کاو و اگر برآمده باشد محدب یا کوژ گفته می‌شود. (همان ۳۱).

#### ۴. ۵. تأثیرگذاری

چنان‌که بائر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳: ۴۲) اشاره کرده است، تأثیرگذاری یکی از دلایل به کار بردن واژه‌های بیگانه است. در واقع گاهی گوینده یا نویسنده احساس می‌کند که واژه بومی تأثیر کافی را بر شنونده ندارد. واژه مردم سالاری امروز در زبان فارسی و به‌ویژه در میان افراد فرهیخته و اهل سیاست تا اندازه زیادی به جای دمکراسی جا افتاده است. باین وجود، در انتخابات ریاست جمهوری اکثر نامزدها در تبلیغات خود از واژه دمکراسی استفاده می‌کنند، زیرا نگران این هستند که واژه مردم سالاری تأثیر لازم را بر مردم نداشته باشد. نمونه‌ای دیگر از این دست، واژه‌های کارشناسی و کارشناسی‌ارشد است که در سال‌های اخیر به جای لیسانس و فوق لیسانس مطرح شده و تا اندازه زیادی تثبیت شده‌اند، باین‌وصف در میان عامه مردم لیسانس و فوق لیسانس اعتبار بیشتری نسبت به کارشناسی و کارشناسی‌ارشد دارد!

#### ۴. ۶. حسن تعبیر

بیان کردن برخی از واژه‌ها ممکن است به دلایل مختلف ناخوشایند باشد. یک راه محافظه‌کارانه جهت به زبان‌نیاوردن این الفاظ و کاهش بار معنایی منفی آن‌ها استفاده از معادل خارجی است. باین‌حال، در یک موقعیت دیگر ممکن است افراد به راحتی همان الفاظ را به کار ببرند. بنابراین این الفاظ و معادل خارجی آن‌ها در کنار هم به حیات خود ادامه خواهند داد و باعث ایجاد نوعی ترادف می‌شوند. کنسر/سرطان، ارگاسم/انزال، قاعدگی/پریود، لوکمی/سرطان خون و غیره نمونه‌هایی از این نوع کلمات تقریباً مترادف هستند. هرچه عمل، روند و شیئی ناگفتنی‌تر باشد تعداد مترادف‌های آن بیشتر است. در زبان انگلیسی مفاهیم مربوط به پول، شراب‌خواری، مستی، آلات و اعمال تناسلی از پرمترادف‌ترین مفاهیم هستند (مختاری اردکانی، ۱۳۷۳: ۷۰). حسن تعبیر فقط محدود به دشواژه‌ها نمی‌شود گاهی برای دادن بار مثبت به الفاظی که بار معنایی منفی پیدا کرده‌اند نیز به کار می‌رود. مانند نمونه‌های زیر:

بنگاه/آژانس، بقالی/سوپر، قصابی/سوپر گوشت، مسافرخانه/مهمانپذیر، رادیکال/اصول‌گرا.

<sup>1</sup>L.Bauer.

#### ۴. ۷. سره‌گرایی

عامل دیگری که به گسترش کلمات مترادف می‌انجامد سره‌گرایی است. سره‌گرایان بر این باورند که تمام الفاظ با منشأ بیگانه را باید از زبان زدود<sup>۱</sup>. اینان علاوه بر الفاظ فرنگی، کلماتی که از دیرباز در زبان فارسی رایج بوده‌اند و از زبان‌هایی مانند عربی و ترکی وام گرفته شده‌اند را نیز بیگانه قلم‌داد می‌کنند. هرچند سره‌گرایان توفیق چندانی به دست نیاورده‌اند، اما تلاش آن‌ها در تعیین برابره‌های سره در مقابل الفاظ بیگانه موجب شده است تعدادی از این معادل‌های ناب در کنار واژگان قرضی مذکور رواج نسبی بیابند. چنان‌که صادقی (۱۳۷۵: ۱۵۹) خاطر نشان ساخته است که سال‌ها پیش مرحوم خانلری اصطلاحات صامت و مصوت را در برابر **consonant** و **vowel** به کار برد، اما کسانی که به سره‌نویسی گرایش داشتند واژه‌های همخوان و آکه را مطرح نمودند و امروز در متون زبان‌شناسی این دو دسته اصطلاح پایه‌پای هم به کار می‌روند. واژه‌گزینی برای لغات عربی تبار فارسی عموماً باعث ترادف می‌شود. حتی در سازمان‌های نظامی که واژه‌گزینی بیشترین موفقیت را داشته است (کافی، ۱۳۷۱: ۴۰) سره‌گرایی موجب ترادف شده و واژه‌های سره نتوانسته‌اند لغات عربی تبار را منسوخ نمایند. امروز در واژگان نظامی واژه‌های **آفند/تهاجم، پدافند/دفاع، تک/حمله، پاتک/ضدحمله** به یک اندازه رواج دارند.

#### ۵. مراحل تثبیت واژه‌های نوساخته

در واژه‌گزینی نیز مانند معیارسازی باید روندی خاص طی شود. همچنان‌که در فرایند معیارسازی لازم است یک زبان چهار مرحله انتخاب، گسترش، تثبیت و پذیرش را طی کند، واژه جدید نیز باید همین مراحل را با موفقیت بگذراند تا به‌عنوان واژه بومی زبان شناخته شود. بائر (۱۹۸۳: ۴۵) می‌نویسد اگر واژه‌ای جدید برای نخستین بار در زبان ظاهر شود که حاصل قرض‌گیری، ترجمه قرضی یا ابداع باشد، سخن‌گویان جامعه زبانی از بدیع بودن آن آگاهی دارند و پذیرش چنین کلماتی به عوامل گوناگونی بستگی دارد. نخستین عامل به موقعیت فرد یا افرادی که آن واژه را به کار می‌برند، بستگی دارد. اشخاص مهم، که مرجعیت ادبی، هنری و سیاسی دارند، رفتارشان مورد تقلید قرار می‌گیرد. از آنجا که استفاده از زبان هم نوعی رفتار اجتماعی محسوب می‌شود سخن‌گویان جوامع زبانی تحت تاثیر چنین افرادی قرار می‌گیرند. عامل دوم در پذیرش واژه‌ها نگرش جامعه زبانی است که در این ارتباط نیاز نقش اساسی دارد.

شتکور<sup>۲</sup> (۲۰۰۱: ۹۸) معتقد است که واژه جدید به‌عنوان یک پیشنهاد برای بقیه اعضای جامعه زبانی مطرح می‌شود. اگر تعداد قابل توجهی از افراد جامعه زبانی آن را بپذیرند به لغات زبان افزوده می‌شود و اگر چنین نشود از بین می‌رود. در طول تاریخ زبان فارسی بسیاری از کلمات عربی به این علت در زبان رواج یافته‌اند که از سوی ادبا و اهل فضل به کار رفته‌اند. همین عامل در ورود واژه‌های قرضی فرانسوی نیز به گونه‌ای دیگر دخیل بوده است.

<sup>۱</sup> برای اطلاع بیشتر در مورد سره‌گرایی در سده معاصر و تلاش‌های افرادی چون ذبیح‌بهرز، صادق کیا، احمد کسروی و دیگران ر.ک: ذاکری (۱۳۷۲).

<sup>۲</sup> P. Stekauer

<sup>۲</sup> lexicalization

مرحله دوم در ترویج واژه، نهادینه‌سازی است. در این مرحله پذیرش واژه آغاز می‌شود و هرگونه ابهام در مورد آن رفع می‌شود. آخرین مرحله در رواج واژه را بائر (همان: ۴۸) واژگانی شدن<sup>۱</sup> و یا تثبیت می‌نامد. در این مرحله واژه جدید کاملاً تثبیت شده و سخنگویان دیگر توجه خودآگاه به آن ندارند. اغلب واژه‌ها در این مرحله تیره هستند. در مورد واژه‌های قرصی تلفظ کلمات ممکن است از تلفظ اصلی فاصله گرفته و تحت تأثیر ویژگی‌های آوایی زبان وام‌گیرنده درآیند. بسیاری از سخنگویان عامی زبان ممکن است از قرصی بودن این الفاظ اطلاعی نداشته باشند<sup>۲</sup>.

## ۶. تحلیل

تاکنون نشان دادیم که دو عامل اصلی مترادف در زبان فارسی امروزی قرص‌گیری و واژه‌گزینی است. چنان که در بخش‌های پیشین گفته شد، بخشی از واژه‌های مترادف الفاظ قرصی هستند که غیرضروری بوده و به دلایلی که به آن‌ها اشاره شد، به زبان وام‌گیرنده وارد می‌شوند. کلمات مترادف عربی در زبان فارسی چنین وضعیتی دارند. باطنی (۱۳۶۹: ۲۰۰) این نوع مترادف‌های عربی را به سه دسته تقسیم کرده است. نخست کلماتی که معادل فارسی آن‌ها رایج‌تر است مانند دشمن / خصم، کاغذ / قرطاس، دریا / بحر، شنیدن / استماع. دسته دوم مترادف‌هایی هستند که با معادل‌های فارسی خود تقریباً به یک اندازه مصطلح هستند، که در این میان می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: خانه / منزل، دوست / رفیق، راه / طریق، گفتگو / صحبت. در حالت سوم واژه‌های عربی رایج‌تر از جفت فارسی خود هستند مانند بامداد / صبح، بها / قیمت، باختر / مغرب، خاور / مشرق. در واقع این تقسیم‌بندی باطنی در مورد لغات مترادف حاصل از قرص‌گیری یا واژه‌گزینی نیز صادق است.

حال باید به این پرسش پاسخ داد که چرا این لغات مترادف در کنار هم دوام می‌آورند. زبان‌شناسان و معنی‌شناسان بر این باورند که زمانی که دو کلمه یکسان در زبانی وجود داشته باشند فقط یکی از آن‌ها دوام می‌آورد و دیگری منسوخ می‌شود. صفوی (۱۳۸۳: ۱۰۸) می‌نویسد که وجود دو واحد هم‌ارزش در یک نظام امکان‌پذیر نیست، زیرا ماهیت وجودی هر واحد به نقشی وابسته است که این واحد را در تقابل با واحدهای دیگر قرار می‌دهد. او به واژه‌هایی چون شهرداری و دادگستری اشاره کرده است که موجب خارج شدن بلدیة و عدلیه از زبان فارسی شده‌اند<sup>۳</sup>. سؤال اینجاست که چرا شهرداری و دادگستری موجب منسوخ شدن بلدیة و عدلیه شده‌اند اما راه، دوست، دشمن و دریا نتوانسته‌اند طریق، رفیق، خصم، و بحر را از زبان فارسی خارج کنند. پاسخ این پرسش این است که الفاظ مترادف، کاربردهایی خاص در گونه‌های مختلف زبان پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال، یکی از دلایل دوام واژه‌های عربی در زبان فارسی کارکرد ادبی آن‌هاست. در متون نظم و نثر فارسی در همه دوران‌ها واژه‌های عربی فراوانی به کار رفته‌اند که باعث تداوم حضور آن‌ها در این زبان شده‌اند. علاوه بر ادبیات، در زبان محاوره‌ای نیز تمایل شدیدی به استفاده از کلمات مترادف وجود دارد.

<sup>۳</sup> برای اطلاع بیشتر در مورد عوامل برون زبانی بر میزان پذیرش و تثبیت نو واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان فارسی ر.ک: احمدی پور (۱۳۸۵).  
<sup>۱</sup> لازم به یادآوری است که واژه‌هایی مانند عدلیه، نظمیه، امنیه، طیاره و بلدیة با منشأ عربی و کلماتی مانند دوسیه، آژان و کلنل با منشأ فرانسوی هنوز به‌طور کامل از گنجینه زبان فارسی خارج نشده‌اند. این واژه‌ها همچنان به‌وسیله افراد مسن و یا در کاربردهای خاص مانند طنز و کنایه به‌کار می‌روند. بنابراین باید گفت این الفاظ به حاشیه رانده شده‌اند و کاربرد خاص خود را در حوزه محدودتری حفظ کرده‌اند.

چنان که باطنی (۱۳۶۹: ۲۰۱) خاطر نشان کرده است گاهی غرض از استعمال کلمات هم‌معنا گریز از تکرار و یا ایجاد تنوع است. ولی گاهی برای آن است که معنی را روشن‌تر، محکم‌تر و مؤثرتر کند. باهمایی الفظی نظیر داد و فریاد، عدل‌وداد، تک و تنها، گرد و غبار در زبان فارسی ناشی از اهمیت نقش کلمات مترادف است. ذاکری (۱۳۸۱: ۱۳) واژگان مترادفی را که باهمایی دارند، یکی از انواع اتباع می‌داند مانند **سفت و سخت، جر و بحث، جنب و جوش، زاد و ولد، دروغ و دغل**. او در جای دیگری (همان ۵۰) می‌افزاید که اتباع چون میخی است که بر سخن بکوبند و به‌وسیله آن سخن استوار و محکم می‌شود. همین پدیده در مورد لغات مترادف اروپایی در زبان فارسی روی می‌دهد. **بازده و راندمان، تحلیل و آنالیز، تکنیک و فن، نرمال و طبیعی** نمونه‌هایی از این دست‌اند و امروز آن‌چنان در زبان تثبیت شده‌اند که به‌عنوان اتباع یا عامل انسجام، همچون سایر واژه‌های مترادف فارسی به‌کار می‌روند. در واقع تنوع لغات هم‌معنا انتخاب‌های بیشتری را برای اهل زبان ممکن می‌سازد تا با استفاده از آن‌ها در موقعیت‌ها و کاربردهای گوناگون نیاز خود را به نحو احسن برآورده نمایند. زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسه و عربی و همچنین فارسی، که دارای ادبیات غنی هستند، در عین حال دارای واژگان مترادف بسیاریند، که عموماً از راه قرض‌گیری پدید آمده‌اند. هر زبانی دارای گونه‌های کاربردی و سبکی متعددی است و در هر کدام از این گونه‌ها تعدادی از این واژه‌های مترادف کاربرد پیدا می‌کنند و همین عامل سبب دوام آن‌ها در زبان می‌شود. در ارتباط با مترادف حاصل از قرض‌گیری و واژه‌گزینی در زبان فارسی باید گفت که همه کلماتی که در کنار هم به‌کار می‌روند به یک اندازه تثبیت نشده‌اند. در پیکره زبانی این تحقیق چنین کلماتی به چند دسته تقسیم می‌شوند. گروه نخست جفت‌واژه‌هایی هستند که با حرف ربط (یا) در کنار هم قرار می‌گیرند مانند لغات **پلن/ طرح، فامیلیال/ خانوادگی، لول/ سطح، کاور/ روپوش، دوز/ میزان** که در جمله‌های (۲)، (۳)، (۴)، (۸) و (۹) آمده‌اند. در این مورد ابتدا واژه بیگانه و پس از آن معادل فارسی آن ذکر می‌شود. به‌نظر می‌رسد که سخنگو در تولید جمله خود ابتدا لفظ بیگانه را انتخاب می‌کند ولی در عین حال چون از خارجی بودن لفظ آگاهی دارد معادل فارسی را نیز بیان می‌کند تا ابهام احتمالی را رفع نماید. دسته دوم شامل لغاتی است که با حرف (و) به هم عطف می‌شوند مانند **بازده و راندمان، تحلیل و آنالیز، نظر و ایده، جهانی و گلوبال، راحت و ریلاکس، پرستاری و نرسینگ** که به ترتیب در جملات (۱)، (۴)، (۵)، (۷)، (۱۲) و (۱۵) به‌کار رفته‌اند. دسته سوم شامل لغاتی است که با مکث همراه هستند و از این جهت شبیه به بدل هستند. مانند جمله‌های (۱۱) و (۱۳) که در اینجا تکرار می‌شوند.

۱۱- شما پرونده‌ای، کیسی را مطرح می‌کنید و سؤال می‌کنید.

۱۳- بهترین تایم، بهترین زمان برای آزمایش تیروئید بدو تولد است.

در واقع کلماتی که چندان در زبان فارسی جا نیافتاده‌اند با استفاده از (یا) در کنار هم قرار می‌گیرند که نشان از نوعی تردید یا محافظه‌کاری از جانب کسی است که این نوع لغات را به‌کار می‌برد و به‌این وسیله با استفاده از حرف ربط (یا) و یا مکث این نگرش خود را نشان می‌دهد. چنان که کروز (۱۹۸۶: ۲۶۷) اشاره کرده است، هم‌معناها گاهی به‌عنوان توضیح و تعریف یک لغت به‌کار می‌روند. او یادآوری کرده است که در چنین کاربردی ارتباط بین دو لفظ مترادف با کلمات و حروفی نظیر (یعنی)<sup>۱</sup> و (یا)<sup>۱</sup> برقرار می‌شود. اما کلماتی که با (و) عطف

<sup>1</sup> that is to say

<sup>2</sup> or

در کنار هم قرار می‌گیرند، دارای پیوند محکم‌تری هستند و نشان از تثبیت نسبی واژه دارند. در زبان فارسی باهمایی واژه‌های مترادف عموماً به وسیله (و) صورت می‌پذیرد. رخت و لباس، آس و اساس، تیره و تار، ظلم و ستم، یار و یاور، ارزش و اعتبار نمونه‌هایی از این دست هستند.

#### ۷. ترادف مطلق یا نسبی

معناشناسان تقریباً بر این نکته اتفاق نظر دارند که ترادف مطلق در زبان بسیار کمیاب است (لاینز ۱۹۹۵: ۶۱؛ کروزر ۱۹۸۶: ۲۷). بنابراین ترادف موجود میان الفاظ بیگانه و لغات ساخته شده فارسی از نوع ترادف مطلق نیست. درست است که بسیاری از این لغات مترادف دارای مصداق واحد بوده و نام اشیاء و پدیده‌های یکسان هستند اما باز نمی‌توان آن‌ها را مترادف مطلق دانست، زیرا دارای معنای یکسان از نظر ابعاد مختلف نیستند. کامپیوتر و رایانه هر دو به یک چیز دلالت دارند، اما این دو لفظ دارای بار معنایی عاطفی و فرهنگی خاص خود هستند. کروزر (همان ۸۸) لغات مترادف را به دو دسته مترادف گزاره‌ای<sup>۳</sup> و شبه‌مترادف<sup>۴</sup> تقسیم می‌کند. او ترادف گزاره‌ای را این چنین تعریف می‌کند: "X هم‌معنای گزاره‌ای Y است اگر، و فقط اگر این دو از نظر نحوی یکسان بوده و هر جمله خبری که دارای X باشد با جمله دیگری که در آن Y به کار رفته دارای شرط صدق یکسان باشد" او به‌عنوان مثال جملات زیر را بیان کرده است.

22-He plays the violin very well.

23-He plays the fiddle very well.

شبه مترادف‌ها چنین نیستند و جایگزینی آن‌ها در این گونه جملات دارای شرط صدق یکسان نیست. الفاظ مترادف ناشی از قرض‌گیری و واژه‌گزینی عموماً از نوع ترادف گزاره‌ای هستند. نمونه‌های زیر این امر را نشان می‌دهد.

۲۴- او یک کامپیوتر برای پسرش خرید. = او یک رایانه برای پسرش خرید.

بسیاری از لغات مترادف که در فرهنگ‌های لغات آمده است ترادف گزاره‌ای ندارند بلکه شبه مترادف هستند. به‌عنوان نمونه به چند مدخل و مترادف‌های داده شده از فرهنگ خداپرستی (۱۳۷۶) اشاره می‌شود.

فانوس: چراغ، مصباح شهید: کشته قاضی: داور، حاکم، دادرس لاغر: باریک، نازک، ضعیف.

چنان‌که پیداست مترادف‌های فوق ترادف گزاره‌ای ندارند. جمله *او پدرش قاضی است* با *او پدرش داور است* دارای شرط صدق یکسان نیست. لاغر بودن شخصی با ضعیف بودن او هم‌معنا نیست.

#### ۸. مفید یا مضر؟

پرسشی که اکنون باید به آن پاسخ داد این است که آیا این نوع ترادف برای زبان فارسی مفید است یا مضر. عبدالتواب (۱۳۶۷: ۶۵) می‌نویسد که ترادف موجب گسترش و توسعه راه‌های فصاحت و سبک‌های بلاغت در نظم و نثر شده است، زیرا برای ساختن سجع، قافیه، تجنیس، ترجیع و دیگر انواع صنایع بدیعی راهی جز

<sup>3</sup> propositional synonymy

<sup>4</sup> plesionymy

استفاده از مترادف نداریم. ایشان (همان) می‌افزایند که گاهی شاعران برای جورکردن قافیه و زیبانمودن آثار از الفاظ بیگانه استفاده می‌کنند. عبدالتواب (همان) یکی دیگر از فواید مترادف را این می‌داند که شاعر می‌تواند در یک جمله از دو اسم مختلف که بیان‌کننده یک معنی هستند برای تأکید و مبالغه استفاده نماید. این امر البته مخصوص زبان شعر نیست، بلکه در زبان محاوره گرایش شدیدی به استفاده از مترادف جهت تأکید و افزایش تأثیر کلام وجود دارد. فرشیدورد (۱۳۷۲: ۳۲۴) نیز استفاده از مترادف را نوعی بیان تأکید دانسته و آن را امری طبیعی در زبان‌های مختلف و از جمله زبان فارسی می‌شمارد. او می‌گوید که اگر ما چند صورت صحیح و زیبا در زبان و ادبیات خود داشته باشیم به مراتب بهتر است تا یک صورت متحجر و سنگ شده و زنگ زده، چه دست شاعران و نویسندگان و مترجمان و اهل ذوق در انتخاب کلمات و خلق آثار ادبی بازتر می‌شود. بی‌شک، مترادف ناشی از ورود لغات عربی به زبان فارسی موجب غنی‌شدن گنجینه واژگان زبان فارسی شده است. باین حال مترادف مورد بحث این جستار هر چند موجب افزایش لغات فارسی می‌شود، معایبی نیز دارد. نخست آن که مانع تثبیت کامل لغات ساخته شده و منسوخ کردن لغات بیگانه می‌شود. نکته دوم افزایش روزافزون واژگان مترادف است که ممکن است باعث سردرگمی و اختلال در امر ارتباط شود. البته چنان که یارمحمدی (۱۳۸۴: ۳-۲۶۲) اشاره می‌کند، این مورد در متون علمی مشکلات بیشتری را به وجود می‌آورد.

برخی، مترادف ناشی از واژه‌گزینی را دلیلی بر ناموفق بودن این کار می‌دانند و می‌گویند که کار واژه‌گزینان در نهایت باعث کثرت واژه‌های مترادف می‌شود. باید گفت این افراد در پی آنند که ره صدساله را یک‌شبه پیمایند و به نیمه خالی لیوان نظر دارند. نباید انتظار داشت که واژه‌هایی چون هلیکوپتر و کامپیوتر، که سال‌ها در زبان فارسی رواج داشته‌اند، به یکباره جای خود را به بالگرد و رایانه بدهند. چنان که کوپر (۱۹۸۲: ۱۳) اشاره نموده است یکی از عوامل مهم در تثبیت نو واژه‌ها مدت زمان است. مترادف حاصل از واژه‌گزینی با میزان تثبیت واژه‌های ساخته شده ارتباط پیدا می‌کند. اگر واژه‌های ساخته شده در برابر الفاظ بیگانه به طور نسبی رواج یابند ولی در عین حال لغات خارجی نیز مورد استفاده قرار گیرند، اندک‌اندک در جامعه زبانی این دو دسته واژگان به صورت مترادف در کنار هم به حیات خود ادامه خواهند داد. در واقع می‌توان گفت که این نوع مترادف نشانه موفقیت پنجاه درصدی واژه‌گزینان است و این البته دستاورد کمی نیست به شرطی که برنامه‌ریزان زبانی تلاش کنند تا در مرحله دوم به یافتن راه غلبه لغات فارسی بر مترادف‌های بیگانه بیندیشند.

### ۹. نتیجه

از این نوشتار می‌توان به این نتیجه دست یافت که مترادف حاصل از واژه‌گزینی امری طبیعی و در عین حال اجتناب‌ناپذیر است. دلیل پدید آمدن این نوع مترادف تثبیت نسبی واژه‌های قرضی پیش از گزینش معادل برای آنهاست. پس از گزینش واژه‌های فارسی و تلاش سازمان‌ها و افراد برای ترویج آنها واژه‌های فارسی نیز رواج می‌یابند، اما این همواره به معنای منسوخ‌نمودن لغات بیگانه نیست. در واقع مترادف لغات ساخته شده فارسی با کلمات بیگانه را باید یک گام به جلو دانست. چه بسیاری از واژه‌های ساخته شده اصلاً رواج نمی‌یابند. باید خاطر نشان کرد که همه واژه‌های مترادفی، که در این جستار به آنها اشاره شد، به یک اندازه

تثبیت نشده‌اند، بلکه در حالت گذار هستند. مسلماً در رقابت واژه‌های فارسی و مترادف‌های بیگانه آن‌ها در آینده ممکن است کفه ترازو به نفع یکی از آن‌ها سنگین‌تر شود. این نوشتار نشان می‌دهد که وظیفه سازمان‌های برنامه‌ریزی زبان با ساختن واژه پایان نمی‌یابد و باید تلاش نمایند که در این رقابت سنگین واژه‌های فارسی بازنده نباشند. به هر حال، حتی اگر تعداد زیادی از این واژه‌های مترادف در آینده نیز تثبیت شده و دوام آورند باز زبان فارسی زبانی نمی‌بیند، بلکه گنجینه واژگانی‌اش غنی‌تر می‌شود. پس در نهایت باید گفت که فعالیت واژه‌گزینی اگر حتی توفیقی نسبی داشته باشد، باز موجب زایش و غنای زبان می‌شود و حرکتی رو به جلو خواهد بود که هزار بار از انفعال و تسلیم در برابر لغات بیگانه بهتر است.

### منابع

- احمدی پور، طاهره (۱۳۸۵). بررسی عوامل برون زبانی موثر بر پذیرش نو واژه‌ها از سوی فارسی زبانان بر مبنای مدل انتشار نوآوری‌های کوپر. پایان نامه دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه اصفهان.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۹). «هم‌معنایی و چندمعنایی در واژه‌های فارسی». *زبان و تفکر*. چاپ چهارم تهران: فرهنگ معاصر.
- بدری‌زاده، فضل‌الله و منیژه یوحناپی (۱۳۸۱). «اصطلاحات زبان‌شناسی و مشکل تعدد معادل‌ها در زبان فارسی». *مجله پژوهش زبان‌های خارجی*، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران. ش ۱۳. ۱۷-۳.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰). *سیک‌شناسی*. ۳ جلد، تهران: امیر کبیر.
- پالمر، فرانک (۱۳۷۴). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*. ترجمه کورش صفوی. چاپ دوم، تهران: کتاب ماد.
- ترسک، آر. ال (۱۳۸۲). *تحول زبان*. ترجمه ارسلان گلفام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خداپرستی، فرجاله (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*. شیراز: دانشنامه فارس.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۷۲). «اشتقاق عامیانه و واژه‌سازی تفتنی». *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۴۳۵-۳۷۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *اتباع و مهملات در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۴). «سابقه فرهنگستان در ایران». *نامه فرهنگستان*. ش ۱، ۱۴۳-۱۳۶.
- زمردیان، رضا (۱۳۷۳). *فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی*. مشهد: آستان قدس.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۷۵). نقش فرهنگستان در برنامه‌ریزی برای زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*. ش ۶. ۱۶۱-۱۴۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). «نقد فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار: قشون و نظمیه». *مجله زبان‌شناسی*. ش ۳۵. ۱۵۴-۱۳۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ الف). «منشأ واژگان معیار ادبی فارسی معاصر». هم‌اندیشی بین‌المللی فرهنگ ایران و ادبیات فارسی. دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا. (منتشر شده در وبگاه فرهنگستان).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ ب). «کلمات روسی در زبان فارسی و تاریخچه ورود آن‌ها». *مجله زبان‌شناسی*. ش ۴۰. ۴۶-۳.

## از واژه‌گزینی تا مترادف

- صدقی، حامد و طیبه سیفی (۱۳۸۵). «بررسی الفاظ مترادف در نهج البلاغه». *فصل‌نامه مطالعات اسلامی*. دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی. ش ۷۴. ۶۴-۳۹.
- صفا مقدم، احمد (۱۳۷۴). «فرهنگستان دوم، پژوهشگاه واژه‌گزینی». *نامه فرهنگستان*. ش ۴. ۱۴۲-۱۳۲.
- صفوی، کورش (۱۳۷۱). «هم‌معنایی و چندمعنایی». *هفت گفتار درباره ترجمه*. تهران: کتاب‌ماد.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عاصی، مصطفی (۱۳۸۰). «گزارشی از فعالیت‌های گروه واژه‌گزینی رایانه». *مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۳۲۶-۳۲۳.
- \_\_\_\_\_ و محمد عبدعلی (۱۳۷۵). *واژگان گزیده زبان‌شناسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبدالتواب، رمضان (۱۳۶۷). *مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی*. ترجمه حمید رضا شیخی. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۲). «ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی و فنی». *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۳۶۱-۲۶۸.
- کافی، علی (۱۳۷۱). «بررسی واژه‌های فرهنگستان اول». *مجله نشر دانش*. سال دوازدهم، ش ۳. ۴۱-۳۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). «مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی». *نامه فرهنگستان*. ش ۲. ۶۷-۴۹.
- مختاری اردکانی، محمد علی (۱۳۷۳). «جهانی‌های معنایی در زبان عامیانه». *مجله زبان‌شناسی*. ش ۲۱. ۷۹-۵۸.
- معدنی، میترا (۱۳۸۳). «نگاهی اجمالی به هم‌معنایی و درجات آن در زبان». *مجله زبان‌شناسی*. ش ۳۷. ۱۱۰-۱۰۴.
- همایون، همادخت (۱۳۷۲). *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یارمحمدی، لطف‌اله (۱۳۸۴). «نظری بر برخی مشکلات معادل‌گزینی و نگارش نوشته‌های زبان‌شناسی در فارسی». *مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۲۶۵-۲۵۵.
- یمین، محمدحسین (۱۳۸۴). «اصطلاح‌شناسی و ابوریحان واژه‌گزین». *مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۳۹-۱۳۴.

- Bauer, L. (1983). *English Word Formation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cooper, R. I. (1982). A framework for the study of language spread. In: Cooper (ed.). *Language Spread Studies in Diffusion and Social Change*. Arlington: Indiana University Press.
- Cruse, D. Alan. (1986). *Lexical Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Edmonds, Philip and Graeme Hirst (2002). "Near-Synonymy and Lexical Choice". *Computational linguistics*. 28(2):105-144
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. 2 vols. Cambridge: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ (1995). *Linguistic Semantics. An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Stekauer, Pavol (2001). "On the Theory of Neologisms and Nonce Formation". *Australian Journal of Linguistics*. 22(1):97-112.

Trask, R.L (1996). *Historical Linguistics*. London: Arnold.  
[www.persianacademy.ir](http://www.persianacademy.ir)